Publisher: Islamic Azad University Press, Iran **ISSN :** 3092-6432 **ISSN (Online):** 3092-6440

Analyzing the concepts of "functional pathology" in the fictional works of "Shahriar Mandanipour" based on the behavior analysis theory of "Eric Berne"

Rana Ebrahimi[1], Kamran Pashaei Fakhri[2*], Parvaneh adelzade[3]

1. Ph.D. Candidate Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Proffesor Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
3. *Proffesor Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.*

Home Page: https://sanad.iau.ir/journal/cp

URL: https://sanad.iau.ir/Journal/cp/Article/1190509

DOI: https://doi.org/10.82548/qd1z-4470

Article Information

Article History:
Received; 2024/11/14
Revised; 2024/12/28
Accepted;2025/02/03
Published; 2025/02/07

Article Type:
Research paper

Subject Area:
Psychology of Literature

Corresponding Author:
Kamran Pashaei Fakhri

E-mail:
pashaeikamran@yahoo.com

ABSTRACT

Reciprocal Behavior Analysis" is a new psychotherapy system and behavioral theory that includes new psychological approaches in the field of practical application, in order to understand behavioral disorders, psychoses, and the subtle connection between the conscious and unconscious mind. Based on the theories of "Eric Berne" within the framework of the pyramid of psychological states "Parent, Adult, Child" which are essentially fundamental mental data and payments, this article examines the components of "functional pathology" in the works of "Shahryar Mandanipour."According to the study and analysis of the data, the highest frequency in the triple pyramid belongs to the "adult" state. The present study has used an analytical-descriptive method to examine the characters of the aforementioned works based on Berne's psychological theory of behavior analysis, in order to answer the question: What are the "functional pathology components" in the fictional works of "Shahryar Mandanipour?" The nature and breadth of literature, in fact, reveal its conceptual connection to many contemporary sciences, especially psychology, and the connection of the literary framework of the novel with the theories and components of modern schools of this science. In this study, data were extracted from phrases and sentences that are subject to the field of "functional pathology" in the works under study, in order to analyze the most frequent function of the pyramid of internal states in the framework of mutual behavior by analyzing the parts in which instances of "functional pathology" consistent with Berne's modern theory appear. The present interdisciplinary research, based on the analysis of relationships based on the behavior analysis system, shows the high frequency of "functional pathology" in Mandanipour's works and, importantly, "adult" was identified as the domain of origin and at the same time having the highest level of feedback in the component analysis of "functional pathology.

KEYWORDS: Eric Bern**,** Functional Pathology, Interactional Behavior, Analysis Shahriar Mandanipour.

Citation This Paper: Ebrahimi, Rana., Kamran Pashaei, Kamran., & Parvaneh adelzade, Parnaneh. (2025). Analyzing the concepts of "functional pathology" in the fictional works of "Shahriar Mandanipour" based on .the behavior analysis theory of "Eric Berne". Quarterly of Communications Psychology. 1(1). 64-78.
[In Persian] https://doi.org/10.82548/qd1z-4470

واکاوی مفاهیم «آسیب شناسی کارکردی» در آثار داستانی «شهریار مندنی پور» بر اساس نظریه تحلیل رفتار «اریک برن»

رعنا ابراهیمی[۱]، کامران پاشایی فخری[۲*]، پروانه عادل‌زاده[۳]

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز ، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲. استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۳. استاد تمام گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Home Page: https://sanad.iau.ir/journal/cp

URL: https://sanad.iau.ir/Journal/cp/Article/1190509

DOI: https://doi.org/10.82548/qd1z-4470

اطلاعات مقاله

تاریخ های مقاله:
تاریخ دریافت؛ ۱۴۰۳/۰۸/۲۴
تاریخ بازنگری؛ ۱۴۰۳/۱۰/۰۸
تاریخ پذیرش؛ ۱۴۰۳/۱۰/۰۸
تاریخ انتشار؛ ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

حوزه موضوعی:
روانشناسی ادبیات

● **نویسنده مسئول:**
کامران پاشایی فخری

رایانامه:
pashaeikamran@yahoo.com

چکیده

«تحلیل رفتار متقابل» یک نظام روان‌درمانی و نظریه‌ی رفتارشناسی نوین است که در حوزه کاربرد عملی، راهکارهای روان‌شناختی جدیدی را شامل می‌شود، درجهت ادراک اختلالات رفتاری، روان‌پریشی‌ها و ارتباط نامحسوس ذهن خودآگاه و ناخودآگاه. مقاله حاضر بر اساس نظریات «اریک برن» در چارچوب هرم حالات نفسانی «والد ، بالغ ، کودک » که در اصل داده‌ها و پرداخت‌های بنیادین ذهنی هستند، به بررسی مؤلفه‌های «آسیب‌شناسی کارکردی» در آثار «شهریار مندنی‌پور» پرداخته است. طبق بررسی و تحلیل داده‌ها، بیش‌ترین بسامد در هرم سه‌گانه، متعلق به حالت «بالغ» است. تحقیق حاضر به روش تحلیلی ـ توصیفی به بررسی شخصیت‌های آثار مذکور بر اساس نظریه روان‌شناختی تحلیل رفتار از «برن» پرداخته است، در جهت پاسخ به این پرسش که: «مؤلفه‌های آسیب‌شناسی کارکردی» در آثار داستانی «شهریار مندنی‌پور» کدامند؟» ماهیت و گستردگی ادبیات در واقع ارتباط مفهومی آن را بسیاری از علوم معاصر و بخصوص علم روان‌شناسی و پیوند چارچوب ادبی رمان را با نظریات و مؤلفه‌های مکاتب نوین این علم نمایان می‌سازد. در این پژوهش، داده‌ها از عبارات و جملاتی که منوط به حوزه «آسیب‌شناسی کارکردی» در آثار مورد بررسی است، استخراج گردید تا با تحلیل قسمت‌هایی که در آن مصادیق «آسیب‌شناسی کارکردی» منطبق با نظریه نوین«برن» نمود دارد، پربسامدترین کارکرد هرم حالات درونی در چارچوب رفتار متقابل تحلیل شود. پژوهش بینارشته‌ای حاضر بر اساس واکاوی روابط بر پایه سیستم تحلیل رفتار، بسامد بالای«آسیب‌شناسی کارکردی» را در آثار مندنی‌پور نشان می‌دهد و این مهّم که، «بالغ» به عنوان حوزه مبدأ و در عین حال دارای بالاترین سطح بازخورد در تحلیل مولفّه «آسیب‌شناسی کارکردی» شناخته شد.

واژگان کلیدی: **آسیب‌شناسی کارکردی، اریک برن، شهریار مندنی‌پور، تحلیل رفتار متقابل.**

ناشر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی **شاپا:** ۶۴۳۲-۳۰۹۲ **شاپا الکترونیکی:** ۶۴۴۰-۳۰۹۲

استناد به این مقاله: ابراهیمی، رعنا.، پاشایی فخری، کامران.، و عادل زاده، پروانه. (۱۴۰۳). واکاوی مفاهیم «آسیب شناسی کارکردی» در آثار داستانی «شهریار مندنی پور» بر اساس نظریه تحلیل رفتار «اریک برن». فصلنامه روانشناسی ارتباطات، ۱(۱)، ۶۴- ۷۸.
https://doi.org/10.82548/qd1z-4470

مقدّمه

آسیب شناسی کارکردی به عنوان یکی از کاربردی‌ترین شاخصه‌های تحلیل رفتار، نظریّه‌ای است بر اساس هرم حالات سه‌گانه، تحت عنوان «روان‌برونی ، روان جدید ، روان قدیمی ». دانشمند و نظریه‌پرداز صاحب مکتب، دکتر «اریک برن» برای رفع ابهامات موجود در اصول روان‌درمانی گذشته، با رویکردی جامع و طی فرآیند شناسایی ابعاد روانی مذکور و جداسازی داده‌های هرم سه‌گانه «والد، بالغ، کودک» به کنش‌های نامحسوس و واکنش‌های غیر قابل ادراک، نظام بخشید.

این انسجام در فرآیندی به نام «سیستم تحلیل رفتار متقابل» صورت می‌گیرد که جهت کارکرد ذهن را مشخص می‌کند. «شهریار مندنی‌پور» از نویسندگان مطرح معاصر، در آثار خود تعارضات و تعاملات درون‌فردی و میان‌فردی طبقات مختلف جامعه را به تصویر می‌کشد.

تحلیل و بررسی تبادلات رفتاری در مجموعه داستان‌های معروف وی از جمله «مومیا و عسل، ماه نیمروز، آبی ماورای مجار، شرق بنفشه، هشتمین روز زمین، سایه‌های غار، دل دلدادگی» قابلیّت و ظرفیت بالای این آثار را برای بازخوانی با رویکرد میان‌رشته‌ای بر اساس مولفّه های نوین روان شناختی تحلیل رفتار نشان می‌دهد. نگارنده مقاله، با تحلیل و تبیین شاخصه‌های «آسیب‌شناسی کارکردی» در رمان‌های مندنی‌پور به این نتیجه دست یافت که «بالغ» در میان اضلاع هرم حالات، بیشترین آسیب‌پذیری را نسبت به دو مؤلفه «والد» و «کودک» دارد. علی‌رغم این که حالت «بالغ» به عنوان مؤلفه غالب در تعیین عملکرد شناخته می‌شود، در «بازی‌های روانی» که منجر به جابجایی کارکرد «حالات من» می‌شود، آسیب وارده به حالت «بالغ» بسامد بالاتری دارد. در این پژوهش، پربسامدترین حوزه‌های «آسیب‌شناسی کارکردی» در سیستم «تحلیل رفتار متقابل» بر روی آثار مندنی‌پور مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن‌چه در این تحقیق حائز اهمیّت است، تبیین ارتباط ادبیات با اصول روان شناختی در عصر حاضر است. تعاملات میان‌فردی و گفت‌وگو های درون‌فردی، تناسب موضوعی این علوم را نشان می‌دهد. مقاله حاضر با هدف تبیین تناسب موضوعی میان این دو حوزه و چگونگی تلفیق ساختارهای شخصیّتی رمان با فرآیند آسیب شناسی «حالات من» بر اساس مؤلفه‌های «تحلیل رفتار» و با استناد به شاخصه‌های روان شناختی نظریّه‌پردازان معاصر می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

در زمینه «تحلیل رفتار متقابل» و بر اساس مولفّه «آسیب شناسی کارکردی» مطابق با نظریات روان‌پزشک صاحب مکتب «اریک برن» تحقیق مستقلّی صورت نگرفته است. مقالاتی که بر پایه آرای تحلیل رفتار برن نگاشته شده‌اند، عبارتند از:

۱ــ «تحلیل رفتار متقابل شخصیّت‌ها بر اساس نظریّه شخصیت برن در مرزبان‌نامه» از حسین حسین‌پور، علی گراوند و جهانشاه محمّدزاده در نشریّه دست‌آوردهای روان‌شناختی، بهار و تابستان (۱۳۹۹)، دوره ۲۷، شماره ۱. نویسنده با بررسی گفتار و رفتار شخصیت‌های مرزبان‌نامه، چگونگی واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های آنها را در چارچوب تحلیل رفتار متقابل آنالیز می‌کند.

۲ــ «تحلیل رفتار متقابل جنبه بالغ و والد در شخصیت‌های داستانی مثنوی بر اساس نظریات اریک برن» از حسین زری‌فام، علی دهقان و حمیدرضا فرضی در نشریه پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت (۱۳۹۴)، دوره ۴، شماره ۲. این مقاله به تحلیل جنبه «والد و بالغ» در شخصیت‌های داستانی مثنوی پرداخته و چگونگی تأثیر حالات نفسانی والد و بالغ را در رفتار این شخصیت‌ها بررسی می‌کند.

۳ــ «بررسی رفتار متقابل زوج‌ها در شعر سرزمین بی حاصل سروده تی. اس. الیوت بر اساس نظریّه روان‌شناختی اریک برن» از فرزانه رادمهر و وحیده سیّدی، نشریه مطالعات زبان و ترجمه (۱۳۹۹) که به بررسی گفتار و رفتار پنج زوج از میان مجموع پرسوناژهای این شعر بر اساس تئوری تحلیل رفتار متقابل اریک برن و آسیب شناسی روانی زوج‌ها و شناسایی مشکلات حل و فصل نشده آن‌ها می‌پردازد.

۴. «بررسی تطبیقی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی بر بنیاد دیدگاه‌های آدلر و برن» از علی صادقی‌منش، مهیار علوی‌مقدم و ابراهیم استاجی در نشریه

ادبیات تطبیقی (۱۳۹۸)، که به بررسی ضرب‌المثل‌های هر دو اثر مطابق با نظریه آلودگی در روان‌شناسی برن و اشتباه‌های بنیادی در روان‌شناسی آدلر می‌پردازد.

در خصوص موضوع پژوهش حاضر، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. در مقاله حاضر، ابتدا تئوری تحلیل رفتار متقابل، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سیستم تحلیل رفتار بر اساس نظریّه «اریک برن» ذکر شده است. پس از طرح و تبیین نظریات روان‌شناختی تحلیل رفتار و واکاوی ابعاد حالات درونی «والد، بالغ، کودک» و مداقّه کامل در خصوص رویه پردازش داده‌ها و اطلاعات در ذهن ناخودآگاه و چگونگی کارکرد هرم سه‌گانه حالات درونی در تعیین مؤلّفه‌های شناختی «آسیب‌شناسی کارکردی» به طور کامل و جامع تحلیل و بررسی شده است. با معرفی و تشریح مبانی مکتب نوین روان شناختی برن، قسمت‌هایی از مجموعه‌های داستانی « شهریار مندنی‌پور» که با مؤلفّه مذکور مطابقت دارد، بررسی و تحلیل شده است.

روش تحقیق

مقاله حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی است. ابتدا منابع و مآخذ مربوط به سیستم تحلیل رفتار متقابل و نظریات نوین روان‌شناختی «برن» مورد مداقّه کامل قرار گرفته، سپس مجموعه‌های داستانی «شهریار مندنی‌پور» مطالعه و بررسی شده است. با معرفی و تبیین مؤلفّه های «آسیب‌شناسی کارکردی» و چگونگی عملکرد آن از دیدگاه دانشمند صاحب مکتب «اریک برن» موارد استخراج شده از آثار مذکور، مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گرفته است.

مبانی تحقیق

گذری بر ادبیات نوگرای معاصر

با رواج گسترده آثار ادبی اروپایی در ایران، سبک نوینی از داستان نویسی در ایران پدید آمد که در رأس آن «صادق هدایت، هوشنگ گلشیری، جلال آل احمد، صادق چوبک، سیمین دانشور، بزرگ علوی، محمود دولت آبادی و غلامحسین ساعدی» قرار دارند. شهریار مندنی پور به سبک هوشنگ گلشیری به ابعاد تازه ای از رمان و رمان-نویسی توجه دارد. رویکرد اصلی جریان رمان مدرن همچون رئالیست های سنتی رویدادی انتقادی است با این تفاوت که موضوع انتقاد آنان نه نظام سلطنتی بلکه وضعیت سیاسی حاضر است. نویسنده مدرنیست نمی-تواند خود را از دغدغه های سیاسی و اجتماعی جامعه رها سازد. رمان مدرن در ادبیات فارسی علی رغم این که فرمی مشابه آثار مدرن غرب دارد، نگاه سنتی خود را به موضوعات حفظ می کند.

آسیب‌شناسی کارکردی

« شخصی که در وضعیت «والد» دایمی بسر می‌برد، با دنیای اطراف خود صرفاً از طریق یکسری قواعد «والدی» که در اختیار دارد تماس حاصل می‌نماید. بر طبق نظریات برن، شخصی که «بالغ» دایمی دارد، صرفاً مانند یک طراح گردآورنده اطلاعات و یا یک کامپیوتر عمل می‌کند. کسی که در «کودک» بسر می‌برد در تمام اوقات طوری فکر، احساس و رفتار می‌کند که گویی هنوز در دوران کودکی بسر می‌برد و زمانی که با مشکلی روبرو می‌شود، با بالا بردن سطح احساس با آن مقابله می‌کند. در نظر دیگران این شخص «نابالغ» جلوه می‌کند.» (جونز، استوارت، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳)

«دسته‌ای از بیماران قادرند یک «حالت من» را با سرسختی و لجاجت حفظ کنند یا بنا بر هر موقعیت خاص به سرعت از یک حالت من به حالت منِ دیگر جابجا شوند. افراد ضعیف‌النفس که دارای هویت قوی نیستند، به آسانی از یک حالت من به حالت من دیگر می‌لغزند. به عبارت دیگر، دارای حدّ و مرز حالات من سست هستند. «کودک» و «والد» اگرچه هر دو ضعیف می‌باشند ولی به سهولت چه به طور تدریجی یا به طور ناگهانی می‌توانند به درون حد و مرز حالت منِ « بالغ» نفوذ کنند و خود واقعی، تحت فشارهای کوچک روحی جابه‌جا می‌شود.» (برن، ۱۳۹۴، ص ۴۴)

عملکرد شخصیت

نظریه‌پردازان و پژوهشگران تحلیل رفتار، در بحث شخصیت و کارکرد ابعاد تشکیل‌دهنده آن، تعاریفی تقریباً مشابه دارند:

«بالغ اهل قضاوت کردن نیست و فقط حقایق را در نظر می‌گیرد. بالغ کاری به درست و غلط ندارد. بالغ در نقش میانجی والد و کودک، اطلاعات هر دو را بررسی می‌کند و

قابل اجرا بودن یا نبودن آن‌ها را می‌سنجد. نکته‌ی مهم هنگام بررسی عملکرد بالغ، توجه کردن به فرآیند تصمیم‌گیری است نه توجه کردن به تصمیمات. کودکی که مستقل فکر کردن را یاد می‌گیرد، یک ظرفیت بالای رایانه‌ای کسب می‌کند، هرچند تجارب یا به زبان رایانه، درونداد هایش هنوز امکان عملی کردن تصمیماتش را نمی‌دهند. پس در برخورد با دیگران باید ببینیم آن‌ها چه موقع تحت امر والد شان هستند و چه موقع تحت امر بالغ یا کودک.» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۳۸)

«نخستین گام برای حل هر کدام از مشکلات، تشخیص این امر است که در هر تصمیم سه مجموعه از داده‌ها باید پردازش شوند. اولین مجموعه در «والد» دومی در «کودک» سومی در «بالغ» است. داده‌های «والد و کودک» مربوط به گذشته‌اند. داده‌های «بالغ» نشان‌دهنده واقعیت خارجی است، آن طوری که در حال حاضر وجود دارد.» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

ویژگی منحصر بفرد ابعاد هرم سه‌گانه، «والد، بالغ، کودک» قدرت یابی و نفوذ یکی از حالات بر دیگری و در عین حال تضعیف و پسروی حالت مغلوب است. «سیستم‌های مختلف شخصیت همانند اعضای مختلف مغز و بدن، در برابر انگیزه‌ها به گونه‌هایی متفاوت واکنش نشان می‌دهند. «روان‌برونی» به نحو مقلّدانه‌ای قضاوت‌گر و در صدد اعمال مجموعه استانداردهای اکتسابی است. «روان جدید» اساساً درگیر تبدیل انگیزه‌ها به صورت جزئیات اطلاعات مختلف و پردازش و بایگانی کردن آن‌ها بر اساس تجربیات گذشته است. «روان قدیمی» اکثراً به نحوی شدید و بر مبنای امیال بی‌منطق و ادراکات تحریف شده عمل می‌کند. در واقع هر یک از این جنبه‌ها محیط را به گونه‌ای متفاوت و صرفاً متناسب با کار خود درک می‌کند و در نهایت پاسخگوی مجموعه انگیزه‌های خاص است (برن، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

جابجایی در «حالات من»

«در چنین سیستمی، جابجایی در «حالت من» به سه عامل بستگی دارد: ۱) نیروهایی که بر هر «حالت من» تأثیر می‌گذارند. ۲) نفوذپذیری حدّ و مرزهای بین «حالات من» ۳) ظرفیّت نیروگذاری «حالت من». این «نفوذ والدانه» است که تعیین می‌کند در هر لحظه‌ای معین، «کودک تطبیق‌یافته» یا «کودک طبیعی» است که فعال می‌شود. «کودک تطبیق‌یافته» حالت منِ قدیمی شده تحت نفوذ «والد» است، حال آن که «کودک طبیعی» حالت منِ قدیمی شده‌ای است که آزاد یا در تلاش آزاد ساختن خود از قید چنین نفوذی است. این در ست مانند تفاوت بین کودکی حرف‌شنو و کودکی است که قشقرق به راه می‌اندازد. بار دیگر باید توجه داشت که منظور از «کودک» کدام یک می‌باشد.» (همان، ۳۴).

«کودک طبیعی، همان‌طور که از نامش بر می‌آید، بخشی از ماست که طبیعی و آزاد رفتار می‌کند و ذخایر ژنتیکی و گرایشات زیست‌شناسی را پوشش می‌دهد. کودک طبیعی، خلاقیّت، قوّه شهود، میل به اکتشاف، احساس و میل به لمس کردن دارد. کودک طبیعی از شکست‌ها ناراحت و از موفقیّت‌ها خشنود می‌شود. کودک «سربه‌راه» به گفته برن، رفتارهای ما را با انتظارات و تأثیرات «والد» هماهنگ می‌کند. کودک سر به راه همان‌گونه که پدر و مادر خواسته‌اند رفتار می‌کند برخی از آدم‌ها هر چه بزرگ‌تر می‌شوند، کودک خود را بیش‌تر بروز می‌دهند.» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۳۶)

گذری بر همزیستی «والد، بالغ، کودک» مثلث خودآگاهی و ناخودآگاهی

«بالغ تحت فشار کافی می‌تواند تا نقطه‌ای که در آن احساسات به شکلی نامناسب عنوان اختیار را در دست بگیرند پسروی کند. مرزهای بین «والد، بالغ، کودک» گاهی اوقات درهم و نامعلوم بوده و در برابر آن دسته از سیگنال‌های وارده که می‌خواهند موقعیت‌هایی که ما در روزهای درماندگی و وابستگی دوران کودکی خود تجربه کرده بودیم را بازآفرینی کنند، آسیب‌پذیر هستند. گاهی «بالغ» آن‌چنان توسط سیگنال‌های خبرهای بد محاصره می شود که به حدّ تماشاچی در رفتارهای متقابل پسرفت می‌کند. فرد در چنین وضعیّتی ممکن است بگوید: من می‌دانستم آن چه انجام می‌دهم اشتباه است ولی نمی‌توانستم به خودم کمک کنم.» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۶۳)

کودکی که در اوایل زندگی، راه‌های غلبه بر ناراحتی و ناکامی را می‌آزماید، «بالغ» خود را تقویت می‌کند تا به اکتشاف و تسلّط بیش‌تری دست یابد، این امر باعث

می‌شود به کودکی مستقل تبدیل شود که اعتماد به نفس را تجربه می‌کند. از طریق درک و دریافت صحیح از مفهوم و جایگاه ابعاد حالات درونی که تحت عنوان «والد، بالغ، کودک» نامیده می‌شود، بهتر می‌توان به محتویات و اندوخته‌های این سه جنبه دست یافت. این که «بالغ» گاهی برای مدتی موقّتی دستخوش تغییرات غیر قابل توجیهی در افکار و احساسات می‌شود، ناشی از غلبه حالت «کودک» است. در این برهه ذهن شخص به سرعت از موضوعی به موضوع دیگر منعطف می‌شود و تمرکزی بر روی مسائل اساسی ندارد، در این حالت «بالغ» او در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته و به اصطلاح روان شناسان معیوب شده و رفتارش معقول و منطقی نیست. این شرایط شاید برای مدتی تداوم داشته باشد، اما زمانی که حالت «بالغ» مجدداً رفتار و افکار را به دست گرفته و مدیریت کنش‌ها و واکنش‌ها را از سر می‌گیرد، شخصیت فرد به موقعیت نرمال و متعادل خود باز می‌گردد.

تداخل ساختاری «والد، بالغ، کودک» اضلاع هرم حالات

«اگر برداشت از واژه «اخلاق» طیف وسیعی از یک «سیستم ارزشی» باشد و «کسل‌کننده نبودن» یا در نظر دیگران «جالب توجه بودن» و «خلاق و مولّد بودن» به عنوان ارزش اخلاقی محسوب شوند. در این صورت کسی که اولین برداشت‌هایش از زیستن، کسل‌کننده بودن زندگی باشد، خود نیز به عنوان یک عنصر مخرّب عمل خواهد کرد. «والد، بالغ، کودک» در واقع ساختار مشترک تمامی انسان‌هاست و آن‌چه این ساختار بنیادی را از انسانی به انسان دیگر متمایز می‌سازد عبارت است از:

۱) محتویات «والد، بالغ، کودک»، که در هر شخص منحصر به فرد می‌باشد و ضبط تجربیّات در هر یک از این بخش‌ها، خاص خود آن حیطه می‌باشد.

۲) عملکرد «والد، بالغ، کودک» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲)

زمانی بدون این‌که دلیل خاصّی وجود داشته باشد، شخص دچار افسردگی یا حالات روحی منفی می شود، به طوری که احساس خلاء یا پوچی می‌کند و زیستن در نظر وی خالی از هدف و انگیزه جلوه می‌کند و هیچ اثری از انرژی درونی دیده نمی شود. در این حالت، جنبه «والد» با فشار تمام، هجوم می‌آورد، «بالغ» تقریباً از کار می‌افتد و قدرت تفکّر و تعقّل شخص، تحلیل می‌رود. درک آن چه در این چرخه روی می‌دهد منوط به این است که دریابیم این احساسات همان «نهادینه» شده‌های جنبه «کودک» هستند و این تنش‌ها و تضادها در واقع پاسخی هستند در مقابل اعمال فشار و امر و نهی‌های انعطاف‌ناپذیر «والد». در تشخیص و درمان مشکلات افکاری، احساسی و انتخابی «بالغ» باید به بررسی ذهن ناخودآگاه و مؤلفه‌های تخریبگر «والد» پرداخت. وقتی «والد» قدرت «بالغ» را تضعیف می‌کند، استقلال فکری را از او باز پس می‌گیرد و دستورات متناقضی را تحمیل می‌کند. «آن‌چه در درمان شخصیت پوچ‌گرا و بی‌انگیزه وجود دارد این است که «کودک» خیلی زود از پرسیدن «چرا»ها دست بر می‌دارد و در واقع ترس از «والد» مستبّد و سرکوبگر او را به انزوا کشیده و همین «والد» کنترل وضعیت درونی، حالات روحی و واکنش‌های بیرونی فرد را به دست می‌گیرد. زمانی که «بالغ» قدرت کنترل و مدیریت امور را بدست می‌گیرد، در واقع به کشف دلایل تغییرات در افکار و اعمال می‌پردازد. ستایش، احساس رضایت‌مندی و یا سرزنش و احساس تحقیر، با مدیریت جنبه «بالغ» است که به درجه منطقی و متعادل خود می‌رسد. «بالغ» در واقع بخش رایانه‌ای شخصیت انسان است. کار بالغ پردازش اطلاعات است «بالغ» اطلاعات را از «والد» و مشاهدات خود دریافت می‌کند و بر اساس آن‌ها تصمیم می‌گیرد. به عبارتی «بالغ» واسطه «والد و کودک» است» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

پی‌ریزی «بالغ» مستقل

این که «بالغ» بتواند تصمیمات سازنده در مورد ارزش‌های اساسی بگیرد، مستلزم زمان می‌باشد. این تصمیمات در واقع پایه و اساس «باید»ها و «نباید»ها را تشکیل می‌دهند. شرط برقراری یک رابطه متقابل سازنده، وجود «بالغ» مستقل و مسلّط بر شرایط است. «بالغ» در اصل به پردازش اطلاعات موظف است که از این طریق می‌تواند یک نظام ارزشی به وجود آورد که شامل تمامی شرایط و ضوابط تعاملات میان‌فردی است. بر خلاف حالت «کودک» جنبه «بالغ» می‌تواند با تسلّط بر پیامدها و عواقب، سیر کنش‌ها و واکنش‌ها را کنترل کند و بر خلاف حالت «والد» که چارچوب غیر قابل نفوذی دارد، «بالغ»

می‌تواند آگاهانه و بدون این که تغییری در رویکردش ایجاد شود به نتیجه مطلوب و معقول برسد. کار «بالغ» اصولاً تبدیل محرک‌ها به اطلاعات و سپس پردازش و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس تجربیات قبلی است. «بالغ» یک کامپیوتر پردازنده داده‌هاست که پس از محاسبه اطلاعات کسب شده از سه منبع «والد»، «کودک» و داده‌هایی که «بالغ» جمع‌آوری کرده و می‌کند به اخذ تصمیمات می‌پردازد. یکی از وظایف مهّم «بالغ» بررسی داده های موجود در «والد» است. برای آن‌که ببینید آیا این داده‌ها درست و همچنان قابل اجرا هستند یا نه، سپس آن‌ها را می‌پذیرد یا ردّ می‌کند. وظیفه دیگر آن بررسی «کودک» برای مشاهده این نکته است آیا احساساتی که در آن وجود دارد با حال حاضر زندگی او تناسب دارد یا خیر، و آیا از قدیم و صرفاً در واکنش به داده‌های کهنه «والد» آن‌جا جمع شده‌اند یا خیر. هدف نه رهایی از «والد و کودک» و تخریب آن‌ها، بلکه آزاد بودن برای بررسی و واکاوی این مجموعه اطلاعاتی است» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۵۹).

مدیریت «والد ـ کودک»

«حالت «بالغ» فقط حقایق را در نظر می‌گیرد «بالغ» در نقش میانجی «والد و کودک» اطلاعات هر دو را بررسی می‌کند و قابل اجرا بودن یا نبودن آن‌ها را می‌سنجد» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

لازمهٔ قدرت بخشیدن به «بالغ» آگاه بودن و اشراف بر علایم «والد و کودک» است. شناخت کودک درون و خصوصیات وی نخستین ضرورت برای پردازش داده‌ها در «بالغ» است. آگاه بودن به این که «والد» چه زمانی و چگونه اعتقادات خود را تحمیل می‌کند، شناسایی او را برای «بالغ» امکان‌پذیر می‌سازد. هنگامی که کسی قادر باشد بگوید «این والد من است» یا «آن کودک من است» با «بالغ» خود دارد این تمایز را قایل می‌شود، بنابراین با همان فرآیند پرسشگری به سمت «بالغ» تغییر و ضعیت داده است. انسان تنها با این پرسش ساده که «چه کسی دارد واکنش نشان می‌دهد؟» قادر است آرامش و تسکین آنی در یک موقعیت استرس‌زا را احساس کند» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

نحوه آگاهی شخص از محتویات «والد، بالغ، کودک»، ابعاد حالات درونی، در واقع تسلّط وی را بر دو حیطه «والد و کودک» بیش‌تر می‌کند. کنترل «والد ـ کودک» در واقع «بالغ» مستقل‌تر و قدرتمندتری می‌سازد.

مؤلفّه‌های شناختی «والد، بالغ، کودک»

منشأ محرک‌ها و پاسخ‌ها در وجود شخص، ابعاد درونی «والد، بالغ، کودک» هستند. هر اندازه که به خصوصیات هر کدام از این حالات مسلّط باشیم، داده‌های بیش‌تری از تحلیل رفتار متقابل به دست می‌آوریم. «والد» مجموعه‌ای از «باید»ها و «نباید»ها است که در گستره‌ی سیستمی از عوامل سرکوبگر، کنترل‌کننده، بازدارنده و اعمال فشار جای می‌گیرد. «والد» در اصل واکنش‌های نهادینه شده در وجود انسان است که بر اساس جنبه‌های انتقادی و ارزش پایه‌گذاری شده است که بدون توجه به گذر زمان و تغییر شرایط، به همان صورت اولیه باقی می‌ماند. «به همان شیوه‌ای که «بالغ» داده‌های «والد» را برای تعیین اعتبار یا عدم اعتبار آن‌ها به روز می‌کند، داده‌های کودک را نیز به منظور تشخیص این که کدام احساسات می‌توانند با اطمینان بیان گردند، به روز می‌کند.» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۶۱)

«بالغ» حیطه گسترده‌ای است که نظریات «والد» را ردّ یا تأیید می‌کند و پس از بررسی و تفکّر و تعقّل بر اساس یک نظام اخلاقی، «بالغ»انه تصمیم می‌گیرد. «بالغ» در واقع پردازش «داده»ها است، آن‌چه مرز «بالغ» را از «والد» جدا می‌سازد، بررسی موقعیت در شرایط زمانی و مکانی است، قضاوت‌های «والد» و اوامر او، امکان تداخل در حیطهٔ نفسانی «بالغ» مستقل را ندارند. به زبان عامیانه انواع «حالات من» را به ترتیب «والد، بالغ، کودک» می نامیم. این سه اصل، اصطلاحات کلی تحلیل ساختاری شخصیت را نشان می‌دهند ... این پایه سه اصل مطلق عملی و سه فرضیه عمومی را دربردارند. منظور از مطلق عملی، شرطی است که تاکنون مورد استثنایی برای آن پیدا نشده باشد.

۱) هر فرد بالغی زمانی یک کودک بوده است.

۲) هر انسانی که بافت مغزیش کارکردی کافی دارد، بالقوه دارای توان کافی برای آزمودن واقعیت است.

۳) هر فرد بالغ عملاً والدین یا جانشینان والدین داشته است و فرضیه‌های متناظر بر آن‌ها به این شرح می‌باشد:

۱) آثار و بقایای دوران کودکی به صورت «حالات من» در تمام سال‌های سنین بعدی زندگی باقی می‌مانند (آثار روانی قدیمی).

۲) واقعیت‌آزمایی کار «حالات من» جداگانه است و نه یک توان مجزّا (کارکرد روانی جدید).

۳) مرکز تصمیم‌گیری ممکن است تحت تسلّط کامل «حالات من» فرد دیگری باشد به گونه‌ای که از پیش درک شده است.

به طور خلاصه ساختار شخصیت شامل سه عضو می‌گردد. روان‌برونی، روان جدید، روان قدیمی. این اعضاء از لحاظ پدیده شناسی و کارکردی، خود را به صورت سه جنبه «حالات من» به ترتیب «والد، بالغ، کودک» نام دارند ظاهر می‌سازند.» (برن، ۱۳۹۴، ص ۲۷)

از مؤلفه‌های مهم حالت «بالغ» مسئولیت‌پذیری و کنترل کنش‌ها و واکنش‌هاست. اطلاعات کافی «بالغ»انه، مانع از انعطاف‌پذیری در مقابل «والد» است. وجود اطلاعات و داده‌های واقعی و کارآمد در «بالغ» آلوده شدن او را در حیطه «والد» به حداقل می‌رساند. مولفّه‌های بارز «کودک» واکنش‌های غیر«بالغ»انه است. غلبه احساسات گذرا، تعابیر منظوردار و سطحی از اتفاقات، برداشت‌های غیرمنطقی، نداشتن ثبات فکری و واکنش‌های نامناسب از ویژگی‌های حالت درونی «کودک» محسوب می‌شود. این جنبه همان افکار و احساسات سال‌های نخستین زندگی فرد است که در اکثر موارد منجر به تخریب یا محدود کردن «بالغ» می‌شود.

اریک برن و ضرورت پیشبرد سیستم تحلیل رفتار متقابل

«تحلیل رفتار متقابل روشی است برای بررسی یک رفتار متقابل که در آن «من کاری در مورد شما انجام می‌دهم و شما در پاسخ عملی انجام می‌دهید» در عین حال تحلیل رفتار متقابل روشی است برای دسته‌بندی و سازمان‌دهی اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل این رفتارهای متقابل در قالب کلماتی که برای هر کسی که از آن‌ها استفاده می‌کند، تعریف و مفهوم یکسانی داشته باشد. این زبان مشترک به روشنی یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های این سیستم است.» (هریس، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

از خصوصیات بارز سیستم تحلیل رفتار، ایجاد تغییر در واکنش به محرک‌های جدید یا تکراری و انتخاب آزادانه و آگاهانه از میان گزینه‌های موجود می‌باشد. در چارچوب زیستی انسانی که اضلاع هرم وجودی او «والد، بالغ، کودک» می‌باشد، داشتن افرادی برای انتخاب یا تغییر هدف، شرط اول است. جایگاهی که کنش‌ها و واکنش‌ها در آن جای دارد، حالت «بالغ» است در واقع همان کامپیوتر پردازش اطلاعات. «جدا کردن انگیزه‌های رفتاری¬ــــ احساسی یک شخص از شخص دیگر، در تشخیص حالات من، «تحلیل ساختاری» نامیده می‌شود» (برن، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

با استناد به نظریه فوق، در خصوص مسائل شخصی تنش‌های تعاملی و ارتباطی، علت این‌که نمی‌توان راه‌حل اساسی برای مشکلات یافت این است که نمی‌دانیم درگیر با مبادلات رفتاری شده‌ایم، چرا که تغییر الگوی رفتاری ما موجب تغییر مسیر مبادلات رفتاری با دیگران می‌شود. تحلیل رفتار متقابل، ساختاری است که قدرت تأثیر رفتار ما بر دیگران و بالعکس اثرگذاری رفتار دیگران بر ما را ثابت می‌کند و در نهایت منجر به هماهنگ کردن کنش‌ها و واکنش‌ها اهداف و مقاصد از پیش تعیین شده می‌شود. راه سریع پیدا کردن بینش نسبت به مردم این است که واقعیت زندگی آنان و طرز برخورد آنان با زندگی را مشاهده کنیم و رفتارهای تکراری آن‌ها را بررسی کنیم. یعنی ببینیم طرز برخورد و روابطشان با خودشان و دیگران چطور است و چگونه به زمان خویش ساخت می‌دهند» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

دکتر «اریک برن» روان‌پزشک صاحب مکتب قرن نوزدهم، از اعضای برجسته انجمن روان‌درمانی آمریکا و از دیپلمات‌های شورای روان‌پزشکی و عصب‌شناسی، روش‌های بدیع و ابتکاری در روان‌درمانی نوین ارائه داده است.

وی متولد ۱۹۱۰ در مونترال آمریکا است که پس از گذراندن دوره دکترا توانست در دوره تخصصی روان¬پزشکی شرکت کند و بعد از رسیدن به تجربه کافی در ارتش آمریکا به عنوان روان پزشک فعالیت خود را ادامه داد. وی در سمیناری برای اولین بار نظریه تحلیل رفتار را ارائه نمود و با توجه به دشوار بودن درک و تحلیل آن، پس از گذشت نیم قرن افراد متخصّص در زمینه روان¬پزشکی توانستند این نظریه را بررسی و آنالیز کنند. دکتر برن در

این نظرّیه بر خلاف تفکرات فروید که به زندگی و شخصیت لحظه¬ای معتقد بود، بیان می دارد که حاصل زندگی در هر زمان برگرفته از سه «من» ا ست که شامل «والد، بالغ، کودک» می با شد. کتاب «روان شنا سی روابط انسانی» به عنوان یکی از بهترین آثار او شناخته می¬شود که پنج میلیون نسخه فروش داشته است.«تحلیل ساخت، ارائه «آسیب‌شناسی عمومی» نظام‌مندی را برای اختلالات روانی ممکن می‌سازد. آسیب‌شناسی به طور کلی با واکنش‌های موجودات زنده در برابر آسیب سروکار دارد.

حالت نفسانی والد

حالت نفسانی والد

حالات نفسانی والد

و

رفتارها، افکار و احساساتی که از والدین و یا جانشینان آن‌ها فرا گرفته شده‌اند.

حالات نفسانی بالغ

ب

حالت نفسانی بالغ رفتارها، افکار و احساساتی که واکنش‌های مستقیم به وضعیت‌های این زمانی و این مکانی است.

حالات نفسانی کودک

ک

حالت نفسانی کودک رفتارها، افکار و احساساتی که از دوران کودکی باز نواخته می‌شود.

نمودار ساختاری اولیه الگوی حالات نفسانی (همان، ۳۷)

«خصایص انحصاری فرد ممکن ا ست موروثی (ناآموخته و نتیجه تعامل وراثت یا محیط یا اکتسابی (آموخته و حاصل تجارب اختصاصی) او باشند. پس به کل ویژگی‌های (خصایص نسبتاً ثابت) فرد که او را از دیگران ممتاز می‌گرداند « شخصیت» اطلاق می‌کنیم و همین خصایص یا شخصیت، هو یت و الگو های رفتار فرد را تعیین می‌کنند.» (شاملو، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰)

آن‌چه از نظریات و ا صول روان شناختی دانشمندان این علم بر می‌آید، این است که «والد» در واقع اطلاعات و داده‌های مضبوط زندگی فرد است که شامل بایدها و نبایدهای صادر شده از سوی والدین ا ست. این د ستورات تقریباً انعطاف‌ناپذیرند و حتی در برخی موارد ممکن است محتوای متعارض و متفاوت داشته باشند. هرگاه این داده‌ها به صورتی دقیق و منطقی پردازش شوند «بالغ» در وضعیت مستقل و کارآ مد قرار دارد. هنگامی که واکنش‌های غیرمعقولانه و «نابالغ»انه از شخص صادر شود، وی در حالت «کودک» قرار گرفته است. «هر قدر فرد از محتوای «وا لد و کودک» خود بیش‌تر بدا ند، را حت‌تر می‌تواند آن‌ها را از «بالغ» جدا کند. این روش به شکلی به خوددرمانی به روش «مرتب‌سازی درونی خود» نزدیک و شبیه ا ست. این دقیقاً فرآیندی ا ست که برای تو سعه بالغ مورد نیاز است. هر قدر کسی نسبت به «والد و کودک» خود حسّاس‌تر باشد، «بالغ» او مجزّاتر و مستقل‌تر و قوی‌تر می‌شود (هریس، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

تحلیل ساختاری در اصل تفکیک و تحلیل «حالات من» ا ست. ابتدا رفتارهای ساده فرد مورد برر سی قرار می‌گیرد، سپس رفتار های پیچیده و رو ند تعاملات و مبادلات میان‌فردی تحلیل می‌شود. «توجه اولیه تحلیل تبادلی، بررسی طبقه‌بندی انواع بیماری ها و مکانیزه های ویژه دفاعی در حیطه آسیب‌شناسی اختصاصی قرار دارد» (برن، ۱۳۹۴، ص ۳۷)

«اریک برن یک حالت نفسانی را چنین تعریف کرده است: یک الگوی همسان از احساس‌ها و تجربیاتی که م ستقیماً با یک الگوی هم سان و هماهنگ رفتاری ارتباط داشته باشد.» (جونز ـ استوارت، ۱۳۹۸، ص ۴۳).

مطالعه حالات من اســـت که در حکم نظام‌های به هم پیو سته اندیشه و احساس هستند که هر کدام با توجه به انگاره‌های رفتاری آشکار می‌شوند.» (برن، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

شهریار مندنی‌پور

مندنی‌پور از نویســندگان مطرح معاصــر و از شــاگردان م شهور هو شنگ گل شیری، متولد سال ۱۳۳۵ در شیراز اســت. برای مدتی ســردبیر هفته‌نامه توقیف شــده «عصــر پنج‌شــنبه» بود و با انتشــار اولین مجموعه داســتانش به‌نام «سایه‌های غار» با فضای مه‌آلود و فرم جدید، چالشی تازه در نوشـــتار فارســـی آغاز کرد. زبانی مختّص خود دارد که حسی ـــ شهودی است و به دنبال تازه کردن فرم‌هاست. وی توانســـت با ترکیب اســـتعاره های پیچیده، مجازهای متفاوت و اســـتفاده از اهنگ کلمات فراتر از ســـاختن یک لحن ساده در داستان، به جایگاهی بالاتر از اشاره مستقیم بر سد و خواننده را به صورت حسّی- شهودی با دا ستان آشـــنا کند. او دغدغه مشـــکلات جهان پیرامونش را دارد. طرح مســـئله غربت انســـان با بُعدی فلســـفی- اجتماعی وسوسه ذهنی مندنی پور است. مهم‌ترین آثار وی رمان‌های معروف اوســـت: «ســـایه‌های غار» اوّلین تجربه در حیطه داســـتان‌نویســـی که مجموعه‌ای اســـت از شـــخصـــیت‌های متفاوت در طبقه‌های اجتماعی مختلف که فرهنگ و سبک گفتاری و رفتاری مختّص هر طیف را به خوبی نشـــان داده اســـت، با این مجموعه رسـماً وارد فضـای ادبیات داســـتانی ایران شـــد. «هشـــتمین روز زمین» مجموعه داســـتانی که قدرتی در باور پذیر جلوه دادن تـمام روا یت هایش در رگه‌های مضـــمونی آخر زمان نشـــان داده اســـت. «مومیا و ع سل» مجموعه‌ای شامل سیزده دا ستان کوتاه ا ست که کارکردهای زبان و نحوه به‌کارگیری آن در این کتاب شهود کامل دارد، در تمامی بخش‌ها شاهد رمز و رازهایی هستیم که نویســـنده برای کشـــف معمّاها، خواننده را از هزار توی پیچیده عواطف هویت و تجربه شخصیت‌های داستانی عبور می‌دهد. «شرق بنفشه» مجموعه داستانی شامل نه داستان کوتاه ا ست که عمدتاً مضمونی عا شقانه دارد مثل بسیاری از آثار نویســـنده این مجموعه هم مملّو از ابهام و رمزنگاری است. «هزار و یک سال» داستان شش خواهر و شش برادر ستاره‌ای ا ست که به دنبال کشف صداهایی هستند که از زمین به گوش می‌رســـد، هر هزار و یک ســـال این حادثه تکرار می‌شـــود. «ماه نیمروز» مجموعه‌ای شـــامل هشـــت داستان کوتاه است که محور اصلی آن غم و تنهایی، غربت و دلتنگی از د ست دادن عزیزان ا ست. «آبی ماورای بحار» شامل یازده داستان که در ارتباط با حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ می‌باشـد که مرتبط با افرادی اسـت که به نحوی با این حوادث در ارتباط‌ند. «دل د لدادگی» ر مانی اســـت متشـــکل از ســـه بخش مربوط به ســـال‌های جنگ و زلزله رودبار. «هفت ناخدا» مجموعه‌ای اســـت که محور اکثر دا ستان‌هایش، خ شونت و بدفرجامی ا ست. « سان‌سور یک دا ستان عا شقانه ایرانی» رمانی ا ست که به زبان انگلی سی منتشـــر شـــده اســـت و روایت عاشـــقانه دارا و ســـارا. «ارواح شهرزاد» اثری مطرح در زمینه سازه‌ها، شگردها و فرم‌های داستان نو.

بحث

«از بعد از مرگ دخترشـــان، او که هیچ، شـــوهرش هم به ندرت بالا رفته بود. مبادا نگاهشـــان از در نیمه‌باز به درون اتاق دختر بیفتد. هیچ یکیشـــان دل نکرده بود که آن در را ببندد.

یک چرخ صندلی را چرخاند و چرخید به سمت مرد ... مرد خیلی بغض داشت.

ـــــ تو که آن همه ســـال، آن همه تقّلا کردی، آن همه هرکس هر زری آمد، کوتاه نیامدی، تا او را راه نینداختی آرام ننشستی، حالا خودت توی این صندلی ... برای چی؟ لااقل گریه بکن، داد بزن، چیزها را بشکن، اصلاً بیا ...

سیخک بخاری را به طرف او دراز کرد.

ـــــ بزن! می‌بینم توی چشـــم‌هایت کینه‌ات به من هم هســـت. بزن! ... برای چی این طوری به من زل می‌زنی؟ حقّم نیست.» (مندنی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۳۳)

قدرت گرفتن حالت «والد» باعث تضعیف عملکرد «بالغ» می شود. آ سیب وارده به جنبه «بالغ» در شخ صیت مرد، اداره امور و تصـــمیم‌گیری را به «والد» می‌ســـپارد. «بزن! می‌بینم توی چشـــم‌هایت کینه‌ات به من هم هســـت» این طرز گفتار، بازخورد ها و امر و نهی های یک «والدِ» نیرو گرفته و مسلّط بر «بالغ» است.

« سروان خاموش بود. موقع رفتنشان وقتی دا شت سوار ما شین می شد، از او پر سیدم: «کی بر می‌گردی؟» مبهوت نگاهم کرد. گفتم: «باید برگردی» با صدایی غریب پر سید: «برای چی؟» گفتم: «برای کشتن پلنگ، اول حقّ تو ست» ســـاکت ماند. ولی زنش پنجه‌هایش را مثل چنگال درآورد، زبانش سنگین شده بود و چیزهایی گفت مثل: بکشش ... بک شش، تکه تکه‌اش کن ... انگ شت‌هایش را طوری در هوا گرفته بود انگار می‌خوا ست چ شم پلنگ را درآورد. سروان حیرت‌زده به چنگال های آخ ته زن نگاه می کرد. زن به صـــورت او چنگ می‌انداخت و جیغ کشـــید: بکشـــش ... بکشـــش ... من گفتم: «تا یک هفته صـــبر می‌کنم که اگر خواســـتی خودت بکشـــش، اگر نیامدی من خودم می‌روم دنبالش و کله‌اش را برایت می‌فر ستم. راه افتاد ما شین‌شان. ما تا مدت‌ها ایســـتادیم و به غبار پشـــت ماشـــین نگاه می‌کردیم. انگار می‌شنیدیم از آن غبار که دور می‌شد، جیغ زنی که مدام می‌گفت: بک شش ...» (مندنی‌پور، ۱۳۹۸، ص ۱۴)

داســـتان «رنگ آتش نیمروزی» از رمان «ماه نیمروز» روایت غمناکی است از کشته شدن دختر خردسال خانواده توســـط پلنگ که در کوهســـتان رخ داده اســـت. پدر، فکر انتقام سخت از پلنگ را در سر دارد و مادر هم که به شدت اف سرده و ع صبی ا ست، او را وادار به رفتن به کوه‌ها و پیدا کردن آن دارد.

شـــدّت عصـــبانیّت در زن و حسّ زجرآور انتقامی که در وجودش اســـت، مانع از کارکرد صـــحیح «بالغ» شـــده و در واقع «والد» را مسلط و حاکم بر بالغ می‌کند. واکنش آمرانه «والد» واکنش عاقلانه و بالغانه را تضـــعیف می‌کند. آســـیب کارکرد جنبه «بالغ» نتیجه این تسلّط است.

«شخصی که در وضعیّت «والد» به سر می‌برد، با دنیای اطراف خود صرفاً از طریق یک سری قواعد «والدی» که در اختیار دارد، تماس حا صل می‌نماید» (جونز ـــــ ا ستوارت، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳)

«گفت: هر کی حالا تو این شـــب یلدا، کنار این آتیش، این جا، یه آرزویی بکنه، حتماً به آرزوش می‌رسه.

ـ با شوخی و خنده و جدّی، مجبورمان کرد آرزو بکنیم.

ـــــ درست نصف شب بود. آسمان شهرما، وقتی هوا سرد با شد، پر ستاره‌ترین آ سمان دنیاس. گفت: زیر این آ سمان، حالا که مردمان این دژ، که معلوم نیســـت چرا یک دفعه متروک شـــده، شـــاید از طاعون، یا وبا، شـــاید از یک بلای آ سمانی ... حالا که لابد همه شون دور و بر ما ه ستن، اگر آرزویی بکنیم، برآورده می‌شه.

ـــــ نق شه‌اش بود، برای این‌که آدم‌ها رو ب شنا سد از این کارها می‌کرد. حداقلّش این بود که می‌خواســـت بدونه ماها چه آرزویی داریم. می‌خواســـت ما دســـتمان را رو کنیم، خودش نه.

ـــــ آره نگفت چه آرزویی کرده. ما آرزوهامون رو هوار کشیدیم.» (مندنی‌پور، ۱۳۷۷، ص ۱۹۳).

«ماهان» از شخ صیت‌های نه چندان محبوب «کهن‌دژ» از رمان « شرق بنف شه» ا ست. حوادث در منطقه‌ای به نام «کهن‌دژ» صـــورت می‌گیرد. جمعی دوســـتانه که تمام اصـــرارشـــان را با هم در میان می‌گذارند، غافل از این که ماهان ســـعی دارد با ورود به زندگی آن‌ها و مطلّع شـــدن از اوضـــاع و جریانات زندگی‌شـــان، کنترل امور را به دســـت بگیرد.

در بســـیاری از موارد که «والد» بر حالت «بالغ» مســـلّط می‌شـــود، برای پیشـــبرد خواســـته و هدف خود، جنبه «کودک» را نشـــانه می‌رود. فراهم کردن شـــرایطی که «کودک» طرف مقابل بر «بالغ» حاکم می‌شـــود و به وجود آوردن موقعیّتی که در آن «کودک» به اوج احســـاســـات و هیجان رســـیده و کارکرد «بالغ» را تضـــعیف می‌کند، از پیامدهای تســـلّط و تحکّم حالت «والد» و آســـیب «بالغ» است.

«آمد روبه‌روی مرد نشست. هنگام سکوت و سکون‌هایش، در گودی مبل‌ها پشت آباژورها و مجسمه‌های گران قیمت، می‌شد دیده نشود.

ـ خواهش می‌کنم حواست به من باشد. اگه می‌شد برای یه بار هم شده، حواست به حرف من باشد. می‌خوام بفهمی می‌خوام بگم. پس محض خاطر خدا حواســـت باشـــد. تحریک‌کننده شـــده بود. صـــدایش گرفته و غمگین بود. یا مضـــطرب و مظلوم بود، یا مرموز بود، یا منزجر بود. هیچ وقت این‌طور نبود.

ـــــ یعنی می‌خوام ازت خواهش کنم که بدونی دیگه نمی‌دونم چکار کنم، توی چشـمم نزن که همیشـه گفته‌ام هیچ وقت به همفکری تو محتاج نیســـتم. تو یه مردی هستی که می‌تونی اگه هوشترُ کار بیندازی، ته توی قضیّه رُ در بیاری. هیچ وقت به فکرت نرسیده که زنت هم ممکنه بترســه؟ باورت می‌شــه که شــبا از این فکرها خواب ندارم؟ امروز تو آینه زیر چشمام گود بودش هیچ متوجه شده‌ای؟ بی‌خوابی‌هام رُ می‌گم نه چشـــم‌هام رُ. لحظاتی چشـــم در چشم ماندند.

ــ من هم مثل سارا می‌خوام بدونم رو خرابه‌های یه آدم، اگه چیزی هم درست بشه میشه عشق باشه؟

مرد طعم تلخی در دهانش حس می‌کرد» (مندنی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹)

«تعلیق ناباوری» از مجموعه داســـتانی «آبی ماورای مجار» روایت عشقی است نافرجام. زنی که پس از گذشت سال‌ها، از این که به دوستش سارا خیانت کرده و به گفته خودش، عشـــق او را دزدیده، با همســـرش که قرار بوده، با سارا ازدواج کند، بر سر همین موضوع بحث می‌کند. حالت «بالغ» در شـــخصـــیّت زن که ســـال‌هاســـت از خیانت به صمیمی‌ترین دوست خود، احساس ترس و انزجار به همراه دارد، بازخورد عقلانی و واکنش منطقی «بالغ» خود را تا حدّی تضعیف می‌کند که جنبه «کودک» وی، با اضطراب و هراسی که در خور عکس‌العمل صحیح و سنجیده نیست، بر افکار و رفتارش مسلّط شده است.

«مردم معمولاً تصوراتی از آینده دارند که کمک چندانی به آنان نمی‌کند. آن‌ها به تصـــورات نگران‌کننده‌ای روی می‌آورند، خودشان را عصبی نگه می‌دارند و نمی‌توانند برای آینده آماده شوند. آن‌ها تحت تأثیر همین جریان، نمی‌دانند با آینده چگونه برخورد کنند و به همین دلیل در صـــدد مهار کردن و کنترل آینده بر می‌آیند. ســـپس به جای دریافت اطلاّعات لازم و خودانگیخته واکنش نشـــان دادن هنگام وقوع اتّفاقات، سعی می‌کنند آینده را طبق نقشه از پیش طرّاحی شـــده خود طرح کنند تا همه چیز را قابل پیش‌بینی کنند. این افراد به دلیل ترس ها، انتظارات و پیش‌بینی‌های خود نمی‌توانند با دیگران هماهنگ شـــوند. آن‌ها حتّی نمی‌دانند به دیگران چه پاســـخی بدهند، چه رســـد به این که چطور پاســـخ بدهند و چون به زندگی در زمان حال عادت ندارند همواره در حال برنامه‌ریزی هستند. بنابراین خودبه‌خود برای مشـــخص کردن وقایعی که باید اتفاق بیفتد، به «والد»شـــان پناه می‌برند» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳).

«پدر، پرداخت مقرّری دو برادر را از سر گرفت. نشان داد که می‌توان سخّی باشد.

ـــــ بروید برای خودتان بخرید، هر چه دوست دارید. آن قدر هست که به هفت پشتمان برسد.

اما رضایت ارواح مزمن دیری نپایید. صلات ظهری سفره را که پهن کرده بودند و در بوی روغن حیوانی و برنج غوطه می‌خوردند، برادر کوچک‌تر درآمد. ژولیده موی و مندرس نشست. بچه خرگوشی که در دست داشت لای چمباتمه پاها گرفتار کرد و بی‌هیچ گفتی سینی برنج را جلو کشید و چنان بلعید که انگار در آن مدت اصلاً غذا نخورده بود. پدر با لبخندی معصومانه و بخشنده او را نگاه می‌کرد.

ـــــ دیدید ... همه‌مان آخر به همین جا باز می‌گردیم» (مندنی‌پور، ۱۳۸۰، ص ۷۶)

«مومیا و عسل» داستانی است به سبک زندگی سنّتی و کلاســـیک از رمانی به همین نام. خانواده‌ای پدرســـالار که تمام فرزندان موظّف به رعایت دستورات و قوانین صادره از طرف وی هستند و محکوم به زندگی در خانه بسیار بزرگ و قدیمی اجدادی که از این میان، پسر کوچک‌تر به شدّت سر ناسازگاری دارد.

در بســـیاری از موارد، جنبه «والد» بدون توجه به خواسته‌ها، افکار و نیازهای مخاطب، بر طبق مصلحت خود، می‌اندیشـــد و عمل می‌کند. «بالغ» در شـــخصـــیّت پدر خانواده، زیر فشار «والد» خود، کارایی لازم را از دست داده

و با واکنش‌های نامعقول و غیرمنطقی، آسیب‌پذیر شده است.

«او را بردند اما به سه هفته نکشید که بازگشت. کمی لاغر و کمی محنت‌دیده.

ـــــ فکر نکنید خودم را جلو آن‌ها باختم، اصلاً. تجربه خوبی بود. تا شروع کردند گفتم نمی‌دانم به شما چی رسانده‌اند ولی من این حرف‌ها را زده‌ام و حالا هم می‌زنم. این‌طور بوده ولی دیگر نیست. اول قبول نمی‌کردند ولی بعدش چاره‌ای نداشتند. یک کمی هم مجبورم کردند از آقای هخامنش تعریف کنم.

رندانه به پیرمرد لبخند زد تا مدّت‌ها، قرار و آرامش او مختل شود و از واهمه اشباحی که من‌بعد، قدم به قدم، در تعقیبش ظاهر و ناپیدا می‌شدند جز به قصد اداره، پا از خانه بیرون نگذارد و مجبور شود گاه و بیگاه، هر جا، در باب وطن‌دوستی و وفاداری خود، داد سخن بدهد» (مندنی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۲۶)

مهرگیا، از شخصیت‌های مرموز داستان «سنگ» از رمان «هشتمین روز زمین» جانشین معاون اداره باستان‌شناسی، آقای هخامنش است. پس از ورود او به سازمان تغییرات تازه و گاه نابجایی صورت می‌گیرد تا جایی که به جای هخامنش اعمال نظر و حکم می‌کند. نهایتاً مأموران بازرسی برای مدتی وی را در اداره نظارت بازداشت می‌کنند.

جنبه «والد» در شخصیتی که دچار گرفتاری شده، برای رهایی و تبرئه خود، سعی در متهّم کردن اطرافیان دارد. «والد» با اعمال فشار و حکمفرمایی، باعث تضعیف کارکرد «بالغ» می‌شود. عدم پردازش صحیح اطلاعات و بازخورد نامعقول و نامتناسب، از آسیب حیطه «بالغ» ناشی می‌شود. «ا شکال «والد» این ا ست که اطلاعات ضبط شده در آن معمولاً اطلاعات «خام» و پرداخت نشده است. اطلاعاتی که «والد» در موقعیّت‌های بحرانی و هیجانی ضبط می‌کند، تأثیرات بلندمدتی دارد. دستورالعمل‌های ضبط شده در این بخش از شخصیت با داد و فریاد، نگاه‌های غضب‌آلود و کلماتی مثل «همیشه و هرگز» همراه‌اند» (منینگر، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

نتیجه گیری

تحلیل شخصیّت های رمان در حوزه روان شناسی نوین از جدیدترین پژوهش های میان رشته ای محسوب می-شود. بر اساس این تحقیق و تحلیل داده ها، رابطه تبادلات رفتاری با حوزه مفهومی «آ سیب شناسی کارکردی» طبق ا صول روان شناختی معا صر تبیین شد. شناخت ارتباط میان ادبیات و روان شناسی، اهمیّت تعاملات رفتاری اشخاص در یک نظام اخلاقی را نشان می دهد. براساس تحل یل ت بادلات فردی و اجت ماعی بر پا یه مک تب برن، مشخص شد که کارایی و عملکرد هر یک از ابعاد هرم حالات درونی «وا لد، بالغ، کودک» منوط به شدت نیروگذاری هر کدام در یک لحظه معیّن می با شد و م سیر مبادلات رفتاری بستگی به حالت «من» غالبی است که بیش¬ترین نیروگذاری روانی را دارا است.

بررسی زندگی فردی و اجتماعی شخصیت‌های آثار داستانی مندنی‌پور در حوزه سیستم نوین تحلیل رفتار، رابطه تبادلات رفتاری را با شاخصه های مکتب برن م شخص می‌کند. توجه نوی سنده به معاملات رفتاری افراد جامعه در م سائل مختلف، انواع شخ صیت‌ها را در ا ضلاع هرم دستگاه روانی نشان می‌دهد، که بدون آگاهی از ناخودآگاه سه‌گانه «والد، بالغ، کودک» احساس و ادراک خود را شکل می‌دهند.

در پژوهش حاضر با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌های استخراج از آثار داستانی مندنی‌پور، مشخّص شد که پربسامدترین حوزه‌های مبدأ مورد ا ستفاده بر پایه هرم حالات سه‌گانه درونی، حالت «والد ـــ بالغ» است، به این ترتیب:

۱) شخ صیت‌ها در اکثر موارد بدون این که خود متوجه باشند در حالت «والد» ارزش‌های اخلاقی را تحت عنوان «با ید»ها و «نبا ید»ها مطرح کرده، به وا کاوی و تحلیل اطلاعات و دریافت‌ها می‌پردازند.

۲) بیش‌ترین آسیب وارده به اضلاع هرم حالات، که عدم ثبات شخصیّت را به دنبال دارد، آسیب جنبه «بالغ» است.

تحلیل داده‌ها بر اساس شاخصه‌های نظریه «برن» از این قرار است:

۱) انتخاب پذیرش یا عدم پذیرش از سوی «بالغ» زمانی امکان‌پذیر ا ست که از تمام «باید»ها و «نباید»های حاکم

بر ذهن که «والد» کنترل می‌کند رها باشـــد و انطباق و انعطاف‌پذیری «کودک» را نپذیرد.

۲) ثبات شـــخصـــیت یا عدم ثبات آن، منوط به قدرت‌بخشـــی یکی از حالات ســـه‌گانه روانی اســـت. طبق بررسی و تحلیل صورت گرفته، تضعیف و ناکارایی «بالغ» از تسلّط و احاطه «والد» ناشی می‌شود.

۳) «والد» به عنوان مولفّه غالب، تأثیرگذاری بیش‌تری نســـبت به دو مولفّه «بالغ» و «کودک» دارد و «بالغ» به همان نســـبت، بســـامد بالاتری در آســـیب‌پذیری کارکردی دارد.

References:

Berne, Eric. (2015). 1. Games, Psychology of Human Relationships, Translator: Esmaiel Fasih, 32nd ed, Tehran: Zehn Aviz.

Berne, Eric. (2015). What Do You Say After You Say Hello?, Translator: Mehdi Gharachehdaghi, 2nd ed, Tehran: Peykan Publications.

Berne, Eric. (2016). Reciprocal Behavior Analysis, Translator: Esmaiel Fasih, 7nd ed, Tehran: No.

Harris, Thomas. (2019). I'm Ok, You're Ok: A Practical Approach to Human Psychology, Translator: Bita Hokmi, 1st ed, Tehran: Namak Publications.

Hosseinipuor, Hossein; Garavand, Ali; Mohamadzadeh, Jahanshah. (2020). Analyzing the Interaction of Characters in Marzban-Name Based on Berne's Theory of Personality Abstract, Journal of Dastavardhaye Ravanshenakhti, No 1, 126-109.

Jones, Van-Stewart, Ian. (2014). A Reflection on the Experimental Psychology of Interaction Analysis, Translator: Bahman Dadgostar, Tehran: dayreh Publications.

Mandanipour, Ultramarine Blue, 7nd ed, Tehran: Markaz Publications.

Mandanipour, Shahriar. (2018). The Eighth Day of the Earth, 2nd ed, Tehran: Niloofar Publications.

Mandanipour, Shahriar. (2019). Midday Moon, 9nd ed, Tehran: Markaz Publications.

1Mandanipour, Shahriar. (2019). Violet Orient, 16nd ed, Tehran: Markaz Publications.

Meininger, Jut. (2013). Success through Transactional Analysis, Translator: Mehrdad Firouzbakht, 2nd ed, Tehran: Aghah Publications.

Radmehr, Farzaneh; Taebi, Zohreh; Seyedi, Vahideh. (2020). An Investigation Of The Mutual Behavior Of Couples In The Poem "The Waste Land" By T. S. Eliot Based On Eric Berne's Psychological Theory, Journal of Motaleat Zaban va Tarjomeh, No 3, 180-155.

Rozifam, Hosein; Dehghan, Ali; Farzi, Hamidreza. (2015). Analysis of the interaction between the "adult and parent" aspects in the fictional characters of the Mathnawi based on the theories of Eric Berne, Journal of Naghd Adabi va Belaghat, Lev 4, No 2, 133-152.

Sadeghimanesh, Ali; Alavi moghadam, Mahyar; Estaji, Ebrahim. (2019). A Comparative Study Of the Position of Women in Persian And Arabic Proverbs Based On the Views of Adler and Berne, Journal of Adabiyat Tatbighi, Year 11, No 20, 123-144.

Shamloo, Saied. (2010). Schools and Theories in Personality Psychology, 9nd ed, Tehran: Rooshd.